

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فریادِ غربت

ترجمہ خطبہ فدکیہ
حضرت زہراؑ را سلام اللہ علیہا

آیت اللہ علی کریمی جہر می

مرکز پخش ۰۲۵-۳۷۷۴۱۳۶۲
www.bahamashr.ir ۰۹۱۲ ۷۵۳ ۲۰۴۱

هادی معزی مدیر هنری و طراح گرافیک

حسین زرگسی صفحه آرا

بهار دلپا ناشر

اول / ۱۳۹۵ نوبت چاپ

البرز چاپ

۵۰۰۰ جلد شمارگان

۹۷۸-۶۰-۸۴۴۹-۱۱-۹ شابک

۲۰۰۰ تومان قیمت



نوحه خطبه فدايکيه - ۱۱۱ - ۱۱۱
Fatimah Zahra, The Saint
خطبه فدايکيه - عربی - عربی
عنوان و نام پدیدآور
موضوعات نامی
نوع پدیدار کننده، تاریخ
۶۰ ص.
شابک ۹۷۸-۶۰-۸۴۴۹-۱۱-۹
۳۰۰۰۰ تومان
روایت فورتیست نویسی
فای
ویراسته عربی، یادداشت
کتابخانه به صورت زیرنویس، یادداشت
ترجمه خطبه فدايکيه حضرت زهرا(س)، عنوان دیگر
نوحه خطبه فدايکيه حضرت زهرا(س)، عنوان دیگر
نوحه خطبه فدايکيه حضرت زهرا(س)، عنوان دیگر
Fatimah Zahra, The Saint -- Public speaking -- Religious aspects -- Islam
عنوان فدايکيه
شابک استاندارد
۱۳۲۰-۱۳۲۰-مؤتم
۳۴۲ ۱۲۳۰۲۱۷ BP
۷۳۳۳۷
زده بنتی ککویه
۴۴۲۷۰۹ شماره کتابشناسی ملی

فهرست

۵	مقدمه خطبه حضرت صدیق‌طاهره <small>علیها السلام</small>
۷	خطبه همیشه جاوید حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۱۱	فلسفه جعل و قرار دادن ثواب و عقاب
۱۱	شهادت به رسالت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۱	انتخاب ازلی
۱۲	منشأ و علت این انتخاب مقدس
۱۲	اهداف کلی بعثت پیامبر
۱۲	نایسامانی‌های جوامع آن روز
۱۳	خدمات بس عظیم پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۳	ارتحال جانسوز پیامبر بزرگوار
۱۴	صلوات و سلام بر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۴	التفات و توجه بانوی اسلام به مخاطبین
۱۵	قرآن‌شناسی در مکتب فاطمه <small>علیها السلام</small>
۱۶	برکات قرآن کریم
۱۶	فلسفه و اسرار احکام

دو توصیه بسیار مهم	۱۹
خشیت از خدا در پرتو علم و آگاهی	۱۹
و این منم، فاطمه	۱۹
باز هم گوشه‌ای از خدمات پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۲۰
انحطاط و ذلت ملت عرب قبل از بعثت پیامبر	۲۲
برکات بعثت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۲۲
عامل موفقیت و پیشرفت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۲۳
وصف امیرالمؤمنین به لسان فاطمه <small>علیها السلام</small>	۲۴
نفاق‌های پنهان با ارتحال پیامبر آشکار و فعال شد	۲۵
تصریح فاطمه به انحراف آنان از قرآن	۲۶
استدلال به آیات قرآن درباره ارث	۲۹
توجه به انصار و اختصاص خطاب آنان	۳۱
جواب ابوبکر به حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	۳۹
پاسخ مستدل و روشنگرانه بانوی اسلام	۴۲
تکرار روش عوام‌فریبی و اعلان تمام شدن جریان	۴۴
اعراض فاطمه از پاسخ دادن به ابوبکر	۴۴
توجه فاطمه به قبر پیامبر و مرثیه‌سرایی پرسوز وی ..	۴۶
برنامه بانوی اسلام پایان یافت و فاطمه روبه‌خانه	
رفت	۴۹
دردهای روی هم انباشته در دل فاطمه <small>علیها السلام</small>	۵۰
طلب مرگ از دست ظالمان و نوعی گله عاطفی از همسر	
مظلوم خود و نیز عذرخواهی از او	۵۱
شکایت فاطمه <small>علیها السلام</small> به پدر بزرگوار و دادخواهی او	۵۲
نوازش امام از همسر دل‌سوخته خود	۵۴

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه خطبه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام

الاحتجاج طبرسی: (رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ^۱ بِإِسْنَادِهِ عَنْ
 آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ^۲ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ^۳ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ علیها السلام
 فَذَكَرًا وَ بَلَغَهَا ذَلِكَ لِأَنَّ^۴ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اسْتَمَلَتْ
 بِجِلْبَابِهَا^۵ وَ أَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ^۶ مِنْ حَفَدَتِهَا^۷ وَ نَسَاءِ قَوْمِهَا تَطَأُ
 ذُيُولَهَا مَا تَحْرِمُ^۸ مِشْيَتَهَا مِشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى
 أَبِي بَكْرٍ وَ هُوَ فِي حَشْدٍ^۹ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ غَيْرِهِمْ

۱. عبدالله محض فرزند حسن مثنی و او فرزند امام مجتبی علیه السلام.

۲. اجمع؛ رأی و نظرش قطعی و یکسره شد.

۳. در بعضی از مصادر مانند شرح ابن ابی الحدید و کشف الغمه تنها ابوبکر آمده است.

۴. یعنی روسری خود را محکم به سر پیچید. خمار مقنعه است که روسری بزرگی است.

۵. جلباب؛ پوشش سراسری و عبا است.

۶. لَمَّة؛ یعنی جماعتی. لمیمة در بعضی از نسخ جماعت قلیل است.

۷. حَفَدَة؛ اعوان و خدام. ۸. حرم؛ یعنی نقص و عدول و تخلف.

۹. حَشْد؛ یعنی جماعت.

مهاجرین و انصار و دیگر مردمان نشسته بود وارد گردید. در این هنگام پرده‌ای میان آن حضرت و مردم آویخته شد. پس حضرت زهرا نشستند؛ آنگاه چنان ناله دلسوزی زدند که مردم را به گریه و زاری و مجلس را به لرزه درآورد و منقلب و دگرگون ساخت و متشنج نمود. حضرت زهرا لحظاتی صبر کرد و زمان کمی ساکت ماند. هنگامی که صدای گریه و زاری خاموش شد و مردم آرام شدند و جوش و خروش آنان بازنشست در این هنگام صدایقه طاهره سخن خود را با حمد الهی و ثنا و ستایش پروردگار و درود بر پیامبرش آغاز کرد. دوباره صدای مردم به گریه و زاری بلند شد. بعد از آنکه آرام شدند و صدای گریه مردم خاموش شد؛ فاطمه به سخن خود بازگشت.

خطبه همیشه جاوید حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَىٰ مَا أَلْهَمَ وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ
مِنْ عُمومٍ نَعَمٍ ابْتَدَأَهَا وَ سُبُوغِ آلاءِ أَسْدَاها وَ تَمَامِ مَنِّ أَوْلَاهَا
جَمَّ عَنِ الْإِحْضَاءِ عَدُّها وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُها وَ تَفَاوُتِ عَنِ
الْإِدْرَاكِ أَبْدُها وَ نَدْبِهِمْ لِاسْتِزَادَتِها بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِها وَ اسْتِحْمَدَ
إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِها وَ تَنَّى بِالْتَدْبِ إِلَى أُمَّئِها.

حمد از آن خداوند است بر آنچه انعام کرده و

نعمت‌هایی که عطا فرموده است.^۱

۱. در بعضی از نسخ قبل از جمله الحمد لله علی ما انعم آمده: ابتداء بحمد من هو اولی بالحمد و الطول و المجد. یعنی سخن خود را آغاز می‌کنم به حمد و ستایش خدایی که سزاوارتر از هر کسی به ستایش و فضل و مجد و عظمت است.

فَنَبِطْتُ^۱ دُونَها مُلَاءَةً^۲ فَجَلَسْتُ ثُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَجْهَشَ^۳ الْقَوْمُ لَهَا
بِالْبُكَاةِ فَارْتَجَّ^۴ الْمَجْلِسُ ثُمَّ أَمْهَلْتُ هَيْبَةً^۵ حَتَّى إِذَا سَكَنَ تَشْيِيعُ^۶
الْقَوْمِ وَ هَدَأَتْ^۷ قَوْرَتُهُمْ^۸ إِفْتَتَحَتِ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ
الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ فَعَادَ الْقَوْمُ فِي بُكَايَتِهِمْ فَلَمَّا أَمْسَكُوا
عَادَتْ فِي كَلَامِها)

عبدالله بن حسن «فرزند حسنِ مثنیٰ فرزند امام حسن مجتبی» از پدران گرامی خود نقل کرده که چون رأی نهایی ابوبکر و عمر بر منع فاطمه از فدک قرار گرفت - و عامل و نماینده آن حضرت را از آنجا اخراج نمودند و این اخبار و جریانات به حضرت زهرا رسید؛ خمار و روسری خود را محکم به سر کرد و سر و صورت خود را با آن پوشانید و پوشش کامل و سراسری خود را نیز پوشید و بر تن کرد و در میان گروهی از خویشان و خدمت‌گزاران و بانوان بنی‌هاشم برای اعتراض، بر ابوبکر به سوی مسجد به راه افتاد و هنگام راه رفتن پایین لباس آن حضرت بر زمین کشیده می‌شد. راه رفتن او درست مانند راه رفتن پیامبر بود و اندک کمبود و تخلفی از راه رفتن رسول‌الله نداشت. آمد تا بر ابوبکر که در میان گروهی از

۱. نبیطت؛ یعنی عَلَّقْتُ، آویخته شد.

۲. مُلَاءَةٌ؛ اِزَار، پرده (رَبِطَةٌ بَفَتْح). ۳. اَجْهَشَ الْقَوْمُ؛ یعنی تَهَيُّؤًا.

۴. اِرْتَجَّاج؛ یعنی اضْطْرَاب. خلاصه مجلس دگرگون شد.

۵. أَمْهَلْتُ هَيْبَةً؛ یعنی ای صبرت زماناً قلیلاً.

۶. صوت معه توجع و بکاء كما يردّد الصبى بكاء في صدره.

۷. هَدَأَتْ؛ یعنی سَكَنَتْ. ۸. فارالقدر؛ یعنی جَاشَتْ.

و او را بر چیزهایی که الهام فرموده، شکر و سپاسگزاری می‌کنم.

و ثنا و ستایش بر آنچه که لطف فرموده از نعمت‌های فراوانی که خود آنها را آغاز نموده و عطایای کاملی که مرحمت کرده و مواهب تام و تمامی که عنایت نموده و الطاف سرشاری که یکی پس از دیگری و پیاپی عطا فرموده است.

نعمت‌های کاملی که عنایت فرموده؛

و تمام منت‌ها و نعمت‌هایی که لطف فرموده است.

کثرت آن نعمت‌ها چنان است که از حد احصا و شماره گذشته و کسی را توان شمارش آن نیست.

قله و نقطه انتهای نعمت‌های خدا آن قدر رفیع و دور از دست است که در حد اجر و مزد نیست.

و قدمت و ازلی بودن آن نعمت‌ها دور از ادراک ماست.

و بندگان را برای ازدیاد و افزایش یافتن آن نعمت‌ها با شکرگزاری فراخوانده تا آن نعمت‌ها اتصال و استمرار بیاید و هرگز بریده و منقطع نشود.

به سبب اكمال نعمت‌ها و فراوانی عطایا از خلائق درخواست حمد نموده است.

پس از آنکه نعمت‌های دنیوی را بر آنان فرو ریخته و کامل گردانیده، آنان را به تحصیل و دستیابی به

نعمت‌های اخروی یا به اعم از نعمت‌های اخروی و مزید نعم دنیوی فراخوانده و لابد راه تحصیل آنها همان شکر و یا اعمال حسنه است.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا وَ أَنْزَلَ فِي السَّفَكْرِ مَعْقُولَهَا، الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَاهُ وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفْتَهُ وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ؛

شهادت و گواهی می‌دهم که خدایی به جز ذات مقدس الله تعالی نیست، اوست که شریکی ندارد. خلاصه، تنها الله و معبود اوست، نه دیگری. این کلمه به گونه‌ای است که خدا اخلاص را نتیجه و ثمره و سرانجام آن قرار داده است.

خداوند وصل و دستیابی و رسیدن به آن کلمه را در دلها تضمین کرده و در اعماق درون‌ها جا داده و ممزوج جان‌ها گردانیده است.

آنچه از کلمه توحید تعقل می‌شود؛ در اذهان واضح و روشن و نورانی گردانیده است.

خدایی که امکان دیدنش از ابصار و دیدگان مردم ممتنع است.

و زبان‌ها توان ذکر صفت او را ندارند

اوهام از درک کیفیّت و حقیقت او ناتوانند و امکان فهم آن را ندارند.

إِنْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا وَ أَنْشَأَهَا بِلَا اخْتِدَاءٍ أَمْثِلَةٌ امْتَثَلَهَا؛

خداوندی که تمام اشیاء را بدون اینکه چیزی پیش از آنها باشد ابداع فرمود و به وجود آورد.

و همه آن اشیاء و اشخاص را بدون اقتدا و تبعیت و پیروی از دیگری و یا ملاحظه نمونه و قالبی که دیگری قبل از خدا آفریده باشد و او الگوگیری کرده باشد؛ آفریده است.

كُوْنُهَا بِقُدْرَتِهِ وَ ذُرَاهَا بِمَشِيئَتِهِ؛

خداوند همه این اشیا را با قدرت و توان خود آفرید و با مشیت خود آنها را ایجاد فرمود.

مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا وَلَا فَائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا؛
بی آنکه کمترین نیازی به خلقت و ساختن آنان داشته باشد یا فائده‌ای برای او در صورت بندی آنها، منظور شده باشد.

إِلَّا تَثْبِيثًا لِحُكْمَتِهِ وَ تَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَ تَعْبُدًا لِجَبَرِيَّتِهِ وَ إِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ؛

هیچ فایده‌ای برای خدا و نیازی از برای او در خلقت و آفرینش مخلوقات نبود؛ جز این اهداف عالی و مقاصد فاخره که حکمت خود را بر بندگان و ماسوی الله تثبیت کند و برای تنبیه دادن و توجه دادن بر عبادت خویشتن.

خداوند با اجرای برنامه خلقت، قدرت و توانایی بالا و بی منتهای خود را ظاهر و آشکار گردانیده

و برای اینکه دلیلی برای تعبد و پذیرش بندگی خدا از سوی بندگان باشد.

و به خاطر اعزاز و بزرگداشت دعوت خویشتن.

فلسفه جعل و قرار دادن ثواب و عقاب

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ذِيادَةً لِعِبَادِهِ عَنِ نِقْمَتِهِ وَ حِيَاشَةً مِنْهُ إِلَى جَنَّتِهِ.

سپس خداوند بر طاعت خود ثواب و اجر و پاداش قرار داد و بر معصیتش عذاب و کیفر خود را مقرر داشت تا بندگان را از نعمت و عذاب خود دور نموده و آنان را به سوی بهشت و رحمت خود سوق داده و متوجه بسازد.

شهادت به رسالت پیامبر ﷺ

وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ؛

و گواهی می‌دهم که پدرم محمد ﷺ بنده او و فرستاده او است.

خداوند پیش از آنکه او را مبعوث به رسالت فرماید، وی را پذیرفت و از میان همه او را اختیار فرمود و پیش از آن که او را برگزیند از او نام برد، و وی را معرفی و انتخاب کرد قبل از آنکه بعثت او را مقرر فرماید.

انتخاب ازلی

إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ وَ بَسِطِ الْأَهْوِيلِ مَصُونَةٌ وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ؛

این انتخاب هنگامی بود که مردم در مخفی‌گاه و خفاخانه غیب پنهان بودند و به بستر و پوشش‌های هول‌انگیز و ترس‌آور، مصون و محفوظ، و به نهایت خطی عدم، مقرون و همراه بودند.

می‌کنند و خدای حقیقی خود را در عین اینکه او را با فطرت خود می‌شناسند؛ انکار می‌کنند.

خدمات بس عظیم پیامبر ﷺ

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ ﷺ ظُلْمَهَا وَكَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا وَجَلَّى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا؛

آنگاه خداوند به وسیله پدرم محمد - که درود الهی بر او و خاندانش باد - تیرگی‌ها و تاریکی‌ها را مبدل به روشنی گردانید و مشکلات قلب‌ها را مرتفع نموده و برطرف ساخت و از دیدگان مردم، پرده ابهام و تحیر را کنار زد. خلاصه، چشم‌ها را جلا داده و روشن ساخت.

وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ؛

و پدر بزرگوارم پیامبر ﷺ، برای هدایت مردم در میان آنان قیام کرد. پس آنان را از غوایت و گمراهی نجات داد و آنها را از کوری در راه خدا رهائی بخشید. به آنها بینش عطا فرمود و آنان را به دینی محکم و استوار هدایت فرمود و به سوی راه مستقیم فراخواند.

ارتحال جانسوز پیامبر بزرگوار

ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ وَ رَغْبَةٍ وَ إِشَارٍ فَمُحَمَّدٌ ﷺ مِنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ قَدْ حَفَّتْ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ وَ مُجَاوَزَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ؛

منشأ و علت این انتخاب مقدس

عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا يَلِ الْأُمُورِ وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ؛

خدا این انتخاب مقدس را در آن دوران کرد چون او به آن چه که امور به دنبال دارند و سرانجام کارهاست عالم و آگاه و داناست؛ به حوادث روزگار احاطه و اشراف دارد و به جایگاه‌های امور، از نظر زمان و مکان دارای شناخت کامل است.

اهداف کلی بعثت پیامبر

ابْتَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِثْمَامًا لِأَمْرِهِ وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ وَ إِتْفَادًا لِمَقَادِيرِ رَحْمَتِهِ؛

خداوند او را به خاطر اتمام امر خود مبعوث گردانید و به خاطر خواست قطعی بر پیشبرد و تحقق بخشیدن حکم خود، او را به رسالت فرستاد و برای نفوذ دادن مقادیر رحمت خود او را به پیامبری مأمور ساخت.

نابسامانی‌های جوامع آن روز

فَرَأَى الْأُمَّمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا عُكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا؛

آنگاه پیامبر مردم را دید که در دین خود گروه‌گروه شده و هر گروهی دین مخصوص و اعتقاداتی ویژه برای خود دارند. در جهنمی که خود افروخته بودند؛ عاکف شده و از آن جدایی ندارند. بت‌های خود را پرستش

سپس خداوند متعال، او را با رأفت و رحمت و افتخار و از روی میل و ایثار به سوی خود قبض کرد و انتقال داد. پس محمد ﷺ از خستگی و سختی و رنج و تعب این دنیا راحت شد و گرداگرد او را فرشتگان نیکوکار گرفته و او در میان مجموعه‌ای از ملائکه ابرار قرار دارد و در احاطه رضوان و خشنودی پروردگار غفار و در مجاورت خدای بزرگ، فرمانفرمای فرمانروا جایگزین است.

صلوات و سلام بر پیامبر ﷺ

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيٍّ وَ أَمِينِهِ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ؛

صلوات و درود خداوند بر پدرم باد که پیامبر خدا و امین او و منتخب او از میان مردم و برگزیده خلق خدا بود و سلام و تحیت بر آن حضرت و نیز رحمت و برکات الهی بر او باد.

التفات و توجه بانوی اسلام به مخاطبین

ثُمَّ التفتت إلى أهل المجلس و قالت: أنتم عباد الله نصب أمره و نهييه و حملته دينه و وحيه و أمناه الله على أنفسكم و بلغاؤه إلى الأمم زعيم حق له فيكم و عهد قدمه إليكم و بقیة استخلفها عليكم؛

سپس فاطمه ﷺ (بعد از ذکر این مطالب به عنوان مقدمه)، التفات به اهل مجلس کرده و به سوی آنان توجه

نموده و خطاب به همه مهاجر و انصار و تمامی حاضران فرمودند: شما ای بندگان خدا، پرچم امر و نهی الهی را در دست دارید و حاملان دین خدا و وحی او یید و امینان خداوند بر نفس و جان خود می‌باشید و رساننده احکام الهی به امت‌های دیگر هستید. زعیم بر حق و پیشوای راستین پروردگار یعنی، امام امیرالمؤمنین ﷺ در میان شماست؛ و او کسی است که خداوند قبلاً در مورد اطاعت او پیمانی از شما گرفته و بقیه و یادگاری به عنوان خلیفه و جانشین خود مقرر فرموده است.

قرآن‌شناسی در مکتب فاطمه ﷺ

کتاب الله الناطق و القرآن الصادق و السور الساطع و الضیاء اللامع؛

کتاب خدا که ناطق است و آن قرآن صادق و راستگو و آن نور ساطع و تابناک و شعاع درخشنده.

بینه بصائر منكشفة سرائره منجلية ظواهره مغتبطة به أشیاعه قائد إلى الرضوان أتباعه مؤد إلى النجاة استماعه؛

حجت‌ها و دلیل‌های آن روشن و بی‌پرده است. سرایر اسرار آیات آن برای اهل آن ظاهر و هویداست. ظواهر آن متجلی و پرفروغ، پیروان قرآن به برکت آن، در غبطه و رشک دیگران هستند. قرآن اتباع و پیروان خود را به رضوان الهی رهبری می‌کند. گوش فرادادن به آن

موجب نجات است. سروکار و سرانجام شنونده قرآن به نجات و پیروزی و سعادت خواهد بود.

برکات قرآن کریم

بِهِ تَنَالُ حُجُجَ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةَ وَ عَزَائِمَهُ الْمُفَسَّرَةَ وَ مَحَارِمَهُ الْمُحَدَّرَةَ
وَ بَيِّنَاتِهِ الْجَالِيَّةَ وَ بَرَاهِينَهُ الْكَافِيَةَ وَ فَضَائِلَهُ الْمُنْدُوبَةَ وَ رُخْصَتَهُ
الْمَوْهُوبَةَ وَ شَرَائِعَهُ الْمَكْتُوبَةَ؛

به وسیله قرآن دسترسی به این امور پیدا می شود: به دلیل های نورانی الهی و واجبات تبیین شده و محرمات الهی که از آنها تحذیر و منع شده و ادله روشن الهی و براهین خداوندی که کفایت کننده است و فضایل و سنتی که به آنها فراخوانده شده اند و اموری که اجازه انجام آن داده شده از مباحات که بخشش های الهی به بندگان می باشد و شرایع الهی و احکام دیگر غیر از آنچه گفته شد؛ مثل، حدود و دیات و ضمانات و امثال اینها.

فلسفه و اسرار احکام

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ؛

خداوند، ایمان را قرار داد تا به وسیله آن شما را از شرک پاک گرداند.

وَ الصَّلَاةَ: تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ؛

و نماز را مقرر داشت تا از این رهگذر شما را از کبر و منیت منزّه و دور بدارد.

وَ الرِّكَاعَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ؛

و زکات را واجب کرد تا با آن نفس شما را تزکیه کند و صفا بخشد و موجب نمو و وسعت رزق و روزی گردد.

وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ؛

و روزه را برای تثبیت اخلاص و نفوذ آن در همه وجود انسان مقرر فرمود.

وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ.

حج را برای استحکام و رفعت دین و اعتلا و عظمت آن واجب گردانید.

وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ

عدل را برای نظم و نسق دلها و انضباط آن قرار داد. وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ

اطاعت از خاندان و عترت پیامبر را برای نظام و هماهنگی ملت اسلام مقرر داشت.

وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً لِلْفُرْقَةِ - مِنَ الْفُرْقَةِ -

و امامت ما را امان از تفرقه و پراکندگی قرار داد.

وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ؛

جهاد را عزت و سرافرازی برای اسلام قرار داد.

وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ

و صبر را راهی برای دست یافتن به اجر و پاداش الهی مقرر فرمود.

وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مُصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ

و امر به معروف را برای صلاح و مصلحت عامه مسلمین و عموم مردم قرار داد.

وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وِقَايَةً مِنَ السَّخَطِ

و نیکوی به پدر و مادر را سپری در برابر سخط و غضب قرار داد.

وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنْسَأَةً فِي الْعُمُرِ مَنَّمَا لِّلْعَدَدِ.

صله ارحام را مایه تأخیر افتادن عمر یعنی طولانی شدن عمر انسان و فزونی و کثرت عدد قرار داد.

وَ الْقِصَاصَ حَقًّا لِلدِّمَاءِ؛

قصاص را برای حفظ خون ایشان قرار داد.

وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِضًا لِلْمَغْفِرَةِ

وفای به نذر را مقرر فرمود تا انسان در معرض مغفرت و آمرزش الهی قرار بگیرد.

وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَابِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا لِلْبَخْسِ

و کیل و وزن به صورت کامل و تمام ادا کردن را برای تغییر کم شدن مال و برطرف شدن ضرر و زیان قرار داده است.

وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهَاً عَنِ الرَّجْسِ.

و از میگساری نهی فرموده تا مردم را از پلیدی دور بدارد.

وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ جِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ؛

و پرهیز و دوری از نسبت ناروا به زنان پاک را مقرر فرمود تا مانع و جلوگیری از لعنت باشد.

وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ: اِبْجَابًا لِلْعَقَةِ؛

و ترک سرقت و دزدی را برای تثبیت و تحقیق عفت مالی مقرر فرمود.

وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشُّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ

و خداوند شرک را حرام و ممنوع فرمود تا انسان را برای ربوبیت خود خالص گرداند.

دو توصیه بسیار مهم

فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

پس اکنون تقوای خدا را مراعات کنید آن گونه که سزاوار تقوا و پرهیزکاری خداست و نمیرید - از دنیا نروید؛ مگر اینکه مسلمان باشید.

خشیت از خدا در پرتو علم و آگاهی

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ تَهَاكُمُ عَنْهُ فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ».

و خدا را در آنچه به شما امر فرموده یا نهی نموده، اطاعت و فرمانبرداری کنید؛ زیرا که در میان بندگان تنها عالمان و آگاهان، از خدا می ترسند.

و این منم، فاطمه

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ اإَعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ ﷺ: أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْوًا وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلَطًا وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ فَإِنْ تَعَزَّوْهُ وَ تَعَرَّفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ وَ لِنَعْمِ الْمَعْرِىَ إِلَيْهِ ﷺ.

سپس فرمود: ای مردم، بدانید که من فاطمه‌ام و پدرم محمد ﷺ، همان چیزی که در آغاز گفته‌ام را تکرار می‌کنم می‌گویم و هرچه می‌گویم به غلط نمی‌گویم و انجام می‌دهم آنچه را انجام می‌دهم و ناحق و بی‌رویه و گزاف و خارج از حد، انجام نمی‌دهم مسلماً پیامبری از جنس خودتان برای شما آمد. رنج و سختی‌های شما بر او گران و ناگوار بود؛ به هدایت و خوشبختی شما بسیار علاقمند و شائق، و نسبت به مؤمنان، رؤف و مهربان بود. اگر نَسَب‌اش را بررسی کنید و او را بشناسید او پدر من است نه پدر زن‌های شما و برادر پسر عموی من است نه برادر مردان شما. چه زیبا و باشکوه است انتساب به آن بزرگوار.

باز هم گوشه‌ای از خدمات پیامبر ﷺ

فَبَلَّغَ الرِّسَالَةَ صَادِعاً بِالنَّدَارَةِ مَائِلاً عَنِ الْمَشْرِكِينَ ضَارِباً تَبَجُّهْمُ آخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ دَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ يَجِفُّ الْأَضْنَامُ وَيَنْكُثُ الْهَامُ حَتَّىٰ انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَوَلُّوا الدُّبُرَ.

آن حضرت، از سوی حق رسالت خود را ابلاغ نمود. تبلیغ او همراه با انذار و تخویف دادن از عذاب و عقوبت الهی بود؛ یعنی، با اعلام خطر و با انذار و بیم دادن از عذاب الهی رسالت خود را آشکار ساخت و در حالی این کار انجام گرفت که او از مسلک و روش مشرکان روی‌گردان بود. کمر مخالفان و معظم جمعیت و گلوگاه آنان را زد و عمده نقطه تجمع آنان را درهم شکست.

۱. یعنی: مذهب و مسلک.

پیامبر گلوی آنان را گرفت و فشرد و راه تنفس آنان را بست.

آن بزرگوار به راه پروردگار با حکمت و موعظه نیکو دعوت می‌کرد، مطالب او سست نبود؛ بلکه با حکمت بود. سخنانش حکیمانه و خردپذیر و یا موعظه‌حسنة بود. یعنی با وعظ و اندرز نیکو و دلپذیر و جذاب، با یکی از این دو عامل موفقیت؛ وارد میدان تبلیغ شد و با این دو سلاح نافذ و آبرومند با مخالفان و مشرکان روبرو گردید.

پیامبر اشیاء ثقیل و سنگین را بلند می‌کرد و بر سر بتها ضربه وارد می‌کرد و می‌زد و یا به سوی آنها پرتاب می‌کرد؛ به طوری که سرنگون شده به زمین می‌افتادند. تا اینکه مشرکان از جبهه جنگ و ستیز گریختند و متفرق شدند و از صحنه مبارزه فرار نمودند.

«حَتَّىٰ تَفْرَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ وَ أَشْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ»

تا اینکه ظلمت شب شکافته شد و روشنایی صبح هدایت ظاهر گردید و حق محض و خالص از پرده درآمد و نمایان گردید.

وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ وَ خَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ

و پرچمدار و سرپرست دین و بزرگ اهل اسلام (پیامبر ﷺ) گویا شد و لب به سخن گشود و زبان شیاطین لال و خاموش گردید.

«وَ طَاحَ وَشَيْطُ النِّفَاقِ وَ انْحَلَّتْ عَقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ»

سفله‌گان پست و اراذل نفاق و منافقین به هلاکت رسیدند و گره‌های کفر و مخالفت و دشمنی باز شد.

«وَفُهِتُمْ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخَمَاصِ»
و شما در میان گروهی از سفیدرویان شکم خالی و
عفیف با کلمه اخلاص تکلم کردید.

انحطاط و ذلت ملت عرب قبل از بعثت پیامبر

«وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ»

و شما مردم در کنار و لبه پرتگاه جهنم قرار داشتید.
تَشْرِبُونَ الطَّرْقَ وَ تَتَنَاطَوْنَ الْقِدَّةَ أَذِلَّةً خَاسِيِينَ تَخَافُونَ أَنْ
يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ
آب آشامیدنی شما، آب های باران آلوده به ادرار
شتران و فضولات آنها بود. از این آب می آشامیدید و
خوراک شما از پوست دباغی نشده حیوانات (و یا از برگ
درختان) بود.

برکات بعثت پیامبر ﷺ

فَأَنْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ ﷺ بَعْدَ اللَّيْلِ وَ اللَّيْلِ
وَ بَعْدَ أَنْ مُنِيَ بِهِمُ الرِّجَالِ وَ ذُؤْيَانِ الْعَرَبِ وَ مَرَدَّةِ أَهْلِ
الْكِتَابِ.

پس خداوند تبارک و تعالی به وسیله محمد که
صلوات و درود خدا بر او و آل او باد؛ شما را از آن همه
ذلت و خورای و حقارت و وضع نابسامان بعد از حوادث
گونگون و پیش آمدهای کوچک و بزرگ نجات داد. پس از
گرفتار شدن زورمندان متهور و بی باک و گرگ های عرب
و متمرّدان اهل کتاب - مرده یا متمرّدان از اهل کتاب -

کسانی بودند که اخبار غیبی و بشارت های آسمانی تورات
و انجیل همانند بشارت آمدن پیامبر اسلام را نادیده گرفته
و با پیامبر اکرم مخالفت نمودند و در برابر کتاب خدا تمرّد
و گردن کشی کردند و حتی برای نابود کردن رسول الله و
خاموش ساختن دعوت او با کفار و مشرکین همکاری
نمودند.

عامل موفقیت و پیشرفت پیامبر ﷺ

﴿كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ﴾ أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ أَوْ
فَعَرَتْ فَاعِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَذَفَّ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا فَلَا يَسْكُنْفِي
حَتَّى يَطَّأَ جِنَاحَهَا بِأَخْمَصِهِ وَ يُخِمِدَ لَهَبَهَا بِسِنِّيهِ.

هر زمان که دشمنان اسلام آتشی را برای جنگ
می افروختند؛ خداوند آن را خاموش می کرد. هر آن
زمانی که شاخ شیطان ظاهر می شد و اتباع و پیروان
شیطان خود را نشان می دادند یا اینکه گروهی از
مشرکین «برای بلعیدن مسلمان ها» همانند اژدها دهان
باز می کردند. پیامبر ﷺ برای نابودی آنها برادر خود
- حضرت علی عليه السلام - را به عمق دهان آنان می افکند پس او
باز نمی گشت مگر آنکه پر و بال آنها را با کف پای خود
پایمال می کرد.

و آنگاه که شراره آتش آنها را با شمشیر خود
خاموش گرداند، تا این دو هدف را تأمین و عملی نمی کرد؛
از میدان بر نمی گشت.

وصف امیرالمؤمنین به لسان فاطمه علیها السلام

مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ. سَيِّداً فِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مُشْتَرِئاً نَاصِحاً مُجِدّاً كَادِحاً لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

او که همواره مورد اصابت رنج‌ها و تعب‌ها و مشکلات فراوان در راه خدا و برای خدا بود؛ منتهای تلاش خود را در پیشبرد امر خدا به کار می‌برد. قریب و نزدیک به رسول خدا بود و در میان اولیای خدا سید و آقا بود و بر همه امتیاز داشت کمر همت را محکم بسته و در کارها اهتمام کامل داشت. ناصح و خیرخواه و مجدّد و مصمم و کوشا و تلاشگر بود. در راه خدا، ملامت ملامت‌کننده‌ای او را نمی‌گرفت و در او اثر نمی‌گذاشت.

وَأَنْتُمْ فِي رَفَاهِيَّةٍ مِنَ الْعَيْشِ وَادْعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ
تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَائِرِ وَتَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ وَتَنْكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ وَتَفِرُّونَ مِنَ الْقِتَالِ.

و این در حالی بود که شما مردم همه در زندگی خود در رفاه و راحتی و کمال آرامش و خوشی و خرمی و در امنیت بودید و انتظار می‌بردید که حوادث ایام، ما را فرا بگیرد و سرنوشتی سخت و دردناک برای ما پیش بیاید. بلاها ما را احاطه کند و ما را از پای درآورد. توقع و انتظار شنیدن خبرهای سخت و خطرناک درباره ما داشته و هنگام نبرد و رویارویی طرفین، خود را کنار می‌کشیدید. وقت جنگ از مقابله و کارزار فرار می‌کردید.

نفاق‌های پنهان با ارتحال پیامبر آشکار و فعال شد

فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أُنْسِيَّائِهِ وَ مَأْوَىٰ أَوْسِيَّائِهِ ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ وَ سَمَلُ جُلُبَابِ الدِّينِ وَ نَطَقَ كَاطِمُ الْغَاوِينَ وَ نَبَغَ خَامِلُ الْأَقْلَبِينَ وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُطْبِلِينَ فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانَ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفاً بِكُمْ فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْغُرَّةِ فِيهِ مَلَا حِظِينَ ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِيفَاءً وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَاباً فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِيبِكُمْ.

پس هنگامی که خداوند منزلگاه پیامبران و جایگاه برگزیدگانش را برای پیامبر خود اختیار فرموده و برگزید؛ ناگهان کینه و دشمنی درون و منافقانه در میان شما آشکار شد و جامه دین کهنه گردید. سکوت‌کننده گمراهان به سخن آمد و گمنام گروهبک خوار و شکست خورده، سربرآورد و خود را نشان داد و شخص مورد قبول اهل باطل به صدا درآمد و این حیوان در عرصه‌های متعدد شما به تکان دادن دم خود و قدرت‌نمایی پرداخت. شیطان از مخفی‌گاه خود سربرآورد و شما را به سوی خود فراخواند و دعوت کرد و شما را دید که دعوت و فراخوانی او را اجابت می‌کنید و برای فریبکاری‌هایی که در نهاد اوست آمادگی و نظر مساعد و موافق دارید. آنگاه شما را به قیام و خیزش علیه حق فراخواند و ترغیب کرد و شما را سبک‌بار و آماده یافت و آتش خشم و غضب بر ضد حق و مردان خدا را در دل‌های شما برافروخت و شما را خشمگین و غضبناک بر ضد حق یافت. پس شتر دیگران

آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب

۱. در روایت عبدالله بن حسن از داستان فدک به چه مشخصاتی از حضرت فاطمه علیها السلام تأکید می شود؟

الف) حجاب حضرت زهرا علیها السلام

ب) تواضع حضرت زهرا علیها السلام

ج) سکوت و حجب (د) آشفتگی زمانه

۲. سبب اشاره حضرت زهرا علیها السلام بر الطاف خداوند و صفات و خصوصیات پدر بزرگوار و همسرگرامیشان چیست؟

الف) نشان دادن توانایی خود در سخنوری

ب) اشاره به سابقه خود و خاندان نبوت

ج) اثبات حقایق خاندان نبوت (د) تمامی موارد

۳. حضرت زهرا علیها السلام فلسفه ثواب و عقاب الهی را چه می داند؟

الف) به تعقل و داشتن مردم

ب) توجه دادن به عبادات

ج) هدایت مردم به سوی بهشت

د) نشان دادن حکمت خود

۴. در خطبه حضرت زهرا علیها السلام برنامه خداوند از خلقت چه عنوان می شود؟

الف) نشان دادن توانایی و قدرت خود

ب) بیان دلیلی برای تعبد و پذیرش بندگی خداوند

ج) تحریض مردم به کسب علم

د) خواندن مردم به شکرگذاری

۵. حضرت زهرا علیها السلام اهداف کلی بعثت را چه می داند؟

الف) اتمام دین خود

ب) انزال قرآن

ج) نشان دادن کرامت خدا بر مردم

د) بیدار نمودن فطرت مردم

۶. حضرت زهرا علیها السلام رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را به چه چیزی توصیف می کند؟

الف) کنار زدن پرده ابهام از دیدگان مردم

ب) نجات دادن مردم از کوری

ج) تابیدن نور بر قلب مردم (د) الف و ب

۷. در مکتب فاطمه علیها السلام قرآن چگونه توصیف می شود؟

حجت ها و دلیل های آن است، اسرار آن است، ظواهر آن است.

الف) محکم، ظاهر و هویدا، متجلی و پرفروغ

ب) محکم، مخفی برای مردم، متجلی و پرفروغ

ج) روشن و بی پرده، ظاهر و هویدا، متجلی و پرفروغ

د) روشن و بی پرده، مخفی برای مردم، متجلی و پرفروغ

۸. بنا بر خطبه حضرت زهرا علیها السلام کدام مورد، از برکات بر شمرده حضرت در خصوص وجود قرآن نمی باشد؟

الف) خمس (ب) عدل

ج) اطاعت از خاندان عترت پیامبر صلی الله علیه و آله (د) صبر

۹. حضرت زهرا علیها السلام وفای به نذر را باعث چه می داند؟

الف) ایجاد اعتماد (ب) آمرزش الهی

ج) زیاد شدن مال (د) پاک شدن مال مردم

۱۰. حضرت زهرا علیها السلام دو سلاح حضرت رسول صلی الله علیه و آله در مواجهه با مشرکان را چه می‌داند؟

الف) حکمت و موعظه ب) عدل و ایمان
ج) ایمان و عمل صالح د) تقوا و ایمان

۱۱. اهل مرده یا متمردان از اهل کتاب چه کسانی بودند؟

الف) کسانی که رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و بشارت‌های تورات و انجیل را منکر بودند.

ب) کسانی که امامت را منکر بودند

ج) کسانی که امامت و قیامت را منکر بودند

د) کسانی که اختصاص فدک به حضرت زهرا علیها السلام را منکر بودند

۱۲. حضرت زهرا علیها السلام قاصبان فدک را چگونه توصیف می‌کند؟

الف) انسان‌های دروغگو ب) انسان‌های مزور

ج) انسان‌های جاهل د) انسان‌های گرسنه

۱۳. حضرت زهرا علیها السلام در رد سخن ابوبکر که عنوان می‌کرد پیامبران ارث نمی‌گذارند به کدام روایت از قرآن در اثبات ارث بردن از پیامبران اشاره می‌کند؟

الف) داستان حضرت یعقوب علیه السلام و حضرت یوسف علیه السلام

ب) داستان یحیی بن زکریا علیه السلام

ج) ارث بردن داود علیه السلام از سلیمان علیه السلام

د) داستان ارث بردن حضرت موسی علیه السلام

۱۴. حضرت زهرا علیها السلام فدک را به چه چیزی توصیف می‌کند؟

الف) باغ خرم ب) باغ بهشتی

ج) مرکب افسار شده د) مطاع ناچیز

۱۵. حضرت زهرا علیها السلام مصیبت بزرگ را چه می‌داند؟

الف) غفلت مردم ب) رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

ج) خردگریزی مردم د) دین‌گریزی مردم

۱۶. ابوبکر در جواب حضرت زهرا علیها السلام در خصوص غصب فدک به چه چیزی شهادت می‌دهد؟

الف) به صداقت حضرت زهرا علیها السلام

ب) باقی نگذاشتن ارث توسط پیامبران

ج) به پاکی عترت حضرت زهرا علیها السلام

د) بر رأفت و رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله بر مؤمنان

۱۷. ابوبکر دلیل خود را از گرفتن فدک چه عنوان می‌کند؟

الف) حکم رسول الله صلی الله علیه و آله ب) اجماع مردم

ج) برآوردن هزینه‌های لشکر د) همه موارد

۱۸. حضرت زهرا علیها السلام دلیل سکوت مردم در قبال غصب فدک را چه می‌داند؟

الف) مال حرام ب) تأویل نادرست قرآن

ج) دنیا دوستی د) بی‌خردی

۱۹. حضرت زهرا علیها السلام مردم را در قبال اعمالشان به چه بیم می‌دهد؟

الف) غصب اموال مردم ب) تسط بنی امیه

ج) عذاب الهی د) ناخشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله

۲۰. حضرت علی علیه السلام در پایان سخنان حضرت صدیق

طاهره علیه السلام ایشان را به چه چیزی توصیه می کرد؟

الف) صبر ب) استقامت و اصرار

ج) رضایت به حکم خلیفه د) نفرین دشمنان